

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۸/۰۶/۰۹

موضوع: سه رمز کلیدی موفقیت شیعه و نقشه دشمن برای نابودی آن

(مراسم بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین ابراهیمی، قزوین)

فهرست مطالب این سخنرانی:

یادی از یک هم حجره ای و هم مباحثه ای قدیمی

خدمتی بزرگ به جهان تشیع؛ مشتی محکم بر دهان وهابیت

تکریم «علم» و «عالم» از نگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مهمترین انگیزه و علل تکریم علما و دانشمندان

مطالعه این دو کتاب، فوق العاده ضروری است!

سه رمز کلیدی موفقیت شیعه و نقشه دشمن برای نابودی آن

دو شهر پرافتخار در کشور ایران

فتنه ای به نام «احمد الحسن»، برای نابودی رمز «انتظار»

مأموریت ویژه حوزه های علمیه، دفاع از حریم ولایت و امامت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و فرارسیدن ایام محرم و عاشورای حسینی را هم به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت می‌گوییم.

خدا را به آبروی حضرت سیدالشهدا و یاران باوفایش سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب جانکاه، فرج موفور السرور مولایمان ولی الله الأعظم قرار بدهد، ان شاءالله.

من قبل از آغاز سخن، به نوبه خودم از همه عزیزانی که این محفل تکریم باشکوه را تشکیل دادند، اعم از دفتر نماینده محترم ولی فقیه حضرت آیت الله عابدینی، شهرداری محترم، استانداری، شورای شهر و حوزه علمیه تشکر می‌کنم. همچنین از همه شرکت کنندگان از دور و نزدیک که زینت بخش این محفل شدند، سپاس ویژه دارم.

### یادی از یک هم حجره ای و هم مباحثه ای قدیمی

بنده با توجه به برنامه‌های مختلفی که در ایام غدیر داشتم، به هیچ وجه آمادگی مسافرت نداشتم. ما در این یک ماه در شیراز و کاشمر و کرمانشاه و خوزستان و چندین شهر دیگر برنامه داشتیم و واقعاً خسته و مریض در قم افتاده بودیم.

وقتی دوستان اسم برادر عزیز و گرامی‌ام «حاج آقا ابراهیمی» را گفتند با خود گفتم با همه این خستگی و کسالت دور از انصاف است که به ندای عزیزان لبیک نگفته باشم.

بنده از سال ۱۳۴۶ با این عزیزمان در «مدرسه سردارین» هم حجره و هم مباحثه بودیم. در همین مباحث مقدمات، صرف میر، تصریف، و سیوطی را با هم مباحثه داشتیم. بنده فراموش نمی‌کنم که ما در محضر اساتید بزرگواری همچون «شهید انصاری (قدس الله نفسه الزکیة)»، «حاج آقا امیری»، «حاج آقا حسینی سنقری» و «حاج آقا زرآبادی» بودیم.

در چند سالی هم که ما به قم رفتیم، در ایام تابستان به قزوین در «مدرسه شیخ الإسلام» می‌آمدیم. باز هم من توفیق داشتم در جوار این عزیزمان هم حجره ایشان بودم.

من در طول این چندین سال که با ایشان بودم، بدون اغراق نه تنها یک کار خلاف حتی مکروه هم از این بزرگوار سراغ ندارم.

ایشان در دوران انقلاب که تحت تعقیب ساواک بودند، به قم تشریف آوردند و منزل ما در بست در اختیار ایشان بود و ما افتخار پذیرایی این بزرگوار را داشتیم. ما در قم به ایشان یک اتاق داده بودیم، اما در قزوین منزل ایشان در اختیار ما بود و محل تهیه اسلحه بود.

بنده افتخار داشتم قبل از انقلاب، وظیفه تهیه سلاح را بر عهده داشتم. آیت الله یزدی هزینه‌ها را تأمین می‌کردند و ما توسط آقازاده آیت الله مشکینی از شوروی سلاح تهیه می‌کردیم تا در اختیار رزمندگان قرار دهیم. و البته در بسیاری از شهرها آموزش دادن به طلبه‌ها به عهده بنده حقییر بود.

منزل ایشان در قزوین اولین پاتوق ما بود. ما معمولاً اسلحه‌ای که از خارج می‌آمد را در منزل ایشان جاسازی می‌کردیم. الحق و الانصاف من خاطرات زیادی از این بزرگوار دارم که اگر بخواهم همه این خاطرات را عرض کنم، شاید مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

## خدمتی بزرگ به جهان تشیع؛ مشتی محکم بر دهان وهابیت

بزرگ‌ترین خدمتی که این عزیزمان به جهان اسلام داشتند، موسوعه گرانقدری است که در رابطه با نبی گرامی اسلام و احیای احادیث آن تدوین شد. معمولاً در حوزه علمیه، در غالب مراکز پژوهشی ما، عمدتاً روی ائمه اطهار (علیهم السلام) کار می‌شود، نه نسبت به نبی گرامی اسلام.

ما این افتخار را داریم که دوازده عنوان موسوعه ائمه اطهار را برای اولین بار به صورت گسترده تدوین و تألیف کردیم. «موسوعه امام جواد» اثر ما به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد. «موسوعه امام رضا» در هشت جلد کتاب برگزیده سال شد. «موسوعه امام کاظم»، «موسوعه امام هادی» و «موسوعه امام حسن عسکری» دیگر آثار ماست، اما از توفیق کار کردن نسبت به رسول گرامی اسلام بی‌نصیب بودم.

بنده نزدیک به سی سال است که در شبکه‌های ماهواره‌ای با وهابی‌ها مشغول بحث و جدل و مناظره هستم و این افتخار را دارم و خداوند عالم از باب:

«يَا مُبْتَدِئاً بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۱، ص

۳۰۴، ح ۱۹

بر سر این بنده حقیر منت گذاشته است و بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان سعودی با اساتید دانشگاه‌ها و مفتیان اعظم عربستان داشتم.

در همین کامپیوتری که دوستان می‌بینند، حدود یازده هزار فایل در حوزه پاسخ به شبهات و دفاع از اهل بیت دارم، اما با کمال تأسف اعتراف می‌کنم از این میان، شاید تنها سه یا چهار مورد در رابطه با رسول اکرم است.

این عزیزمان با موسوعه خود، خدمت بزرگی به جهان تشیع کردند. چرا که یکی از زبان درازی‌های سلفی‌ها و وهابیت به ما این است که می‌گویند: "شما نسبت به رسول اکرم بی‌تفاوت هستید و برای او تکریم و ارزشی قائل نیستید. شما ائمه اطهار و امیرالمؤمنین را در برابر رسول الله علم کردید و دکانی از علی بن ابی طالب در برابر رسول اکرم باز کردید."

عزیزمان جناب «حاج آقای ابراهیمی» موسوعه‌ای نوشتند که گذشته از آنچه خدمت شایانی به شیعه کردند، مشتمل بر دهان وهابیت زدند که مرتب در فضای مجازی و ماهواره‌ها این شبهه را مطرح می‌کردند. امیدوارم ان شاءالله لحظه لحظه عمری که ایشان برای این موسوعه صرف کردند، بهترین پاداشی باشد در روزی که قرآن کریم می‌فرماید:

**(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ)**

در آن روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد.

**سوره شعراء (۲۶): آیه ۸۸**

و همچنین برای عزیزانی که در این حوزه از ایشان تقدیر و تشکر کردند.

**تکریم «علم» و «عالم» از نگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

اجازه بدهید من در این زمینه بحثی را خدمت شما بزرگواران در رابطه با تقدیر از جایگاه علم و عالم و دانش و دانشمند از منظر اهلبیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) داشته باشم.

من در این فرصتی که باقی مانده است به چند نکته اشاره می‌کنم، سپس در رابطه با فلسفه تشکیل اینچنین جلسات تکریم و برداشت ما از جلسات تکریم مقداری با شما گرامیان سخن بگویم.

تکریم زیباست؛ ما روایات متعددی از ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم که نهایت ارزش را برای جلسات تکریم و گرامیداشت علم و عالم قائل شدند. به تعبیر امیرالمؤمنین:

«لا عزَّ أشرف من العلم»

عزتی بالاتر از علم نیست.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۷۷۶، ح ۲۱۹

و نیز فرمودند:

«العلم سلطان من وجده صال به»

امروز علم و دانش وسیله تسلط در جهان است.

«و من لم یجدہ صیل علیہ»

و هرکسی به علم و دانش بیشتری دسترسی پیدا کرد، تسلط و چیره او بر جهان بیشتر است.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۲۰، ص ۳۱۹، ح ۶۶۰

امروزه اگر غرب افتخار می‌کند و یکه‌تاز میدان است، به برکت علم و دانشی است که به دست آورده و در سایه آن

علم و دانش به صنعت و تکنیک دسترسی پیدا کرده است.

امروز اگر جهان در برابر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در شوک فرورفته و در حیرتی گرفتار شده که آن را

تصور نمی‌کرد، در سایه همین دانش است.

امروز عزیزان سپاهی ما توانستند محصول دسترنج خودشان را به نمایش بگذارند و با سقوط پهپاد فوق مدرن آمریکا تمام ابرقدرت‌های غرب و شرق را به حیرت واداشتند که تصور آن را هم نمی‌کردند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: هرکسی که به علم دسترسی پیدا کرد بر جهان مسلط خواهد شد و کسی که از قافله علم عقب ماند همواره گرفتار ابر قدرت‌ها خواهد شد.

در رابطه با قضیه تکریم هم امیرالمؤمنین روایت زیبایی دارند که می‌فرماید:

«مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ»

کسی که عالمی را تکریم کند، در حقیقت خدا را تکریم کرده است.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین،

ص ۴۳۹، ح ۷۶۲۹

حضرت در روایت دیگر می‌فرماید:

«و قم عن مجلسک لأبیک و معلّمک و إن کنت أمیرا»

در برابر پدر و استادت مؤدبانه برخیز، گرچه مقام والی سیاسی داری.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۱۳۶، ح ۱۱۷

در روایت دیگر وارد شده است:

«أکرّموا العلماء فإنّهم ورثة الأنبياء فمن أکرّمهم فقد أکرّم الله و رسوله»

آنان که از جایگاه علم و دانش دانشمند تکریم می‌کنند، در حقیقت تکریم خداوند عالم و رسول اکرم است.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، نویسنده: پاینده، ابو القاسم، ص

۲۳۸، ج ۴۵۰

«مرحوم شهید مطهری» در کتاب «ده گفتار» از یکی از مستشرقین جمله‌ای را نقل می‌کند و با تأسف شدید هم نقل می‌کند که ایشان می‌گویند: "اسلامی که این همه برای علم و دانش و تکریم عالم دانشمند حدیث و آیه دارد، من تعجب می‌کنم چرا مسلمانان اینهمه از قافله علم عقب ماندند و اینهمه ناآگاهان و جاهلان در میان مسلمانان وجود دارند."

#### مهمترین انگیزه و علل تکریم علما و دانشمندان

نکته دوم در انگیزه و علل تکریم عالمان است. در این زمینه می‌خواهم مقداری مسئله را میدانی کنم. امروز عزیزان مستحضرنند هجمه‌ای که به فرهنگ اهل بیت و اسلام در عصر حاضر شده است، شاید در چهارده قرن گذشته نمونه نداشت.

امروز فضای مجازی و رسانه‌های ماهواره‌ای، یکه‌تاز سلفی‌ها و مخالفین و دشمنان اسلام قرار گرفته است.

بنابر آنچه دانشگاه علم و صنعت تهران پژوهش و تحقیق میدانی کرده، نوشته است که الآن در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) بیش از سیصد شبکه ماهواره‌ای در اختیار سلفی‌ها و وهابیت است که شبانه روز علیه شیعه برنامه سازی می‌کنند.

در مقابل و برابر آن شبکه‌هایی که باید پاسخگوی این هجمه از شبهات باشند، به قدری اندک هستند که به حساب نمی‌آیند.



در فضای مجازی یکی از دانشمندان کانادایی تحقیقی دارد که می‌گوید: از میان هر سه سایت و وبلاگ در فضای سایبری، دو سایت متعلق به سلفی‌ها و وهابیت است.

دیشب در یکی از گروه‌ها پیامی از یکی از مسئولین رده بالای فرهنگی آمده بود که نوشته بود: نود درصد فضای مجازی در کشور جمهوری اسلامی ایران در اختیار مخالفین نظام و معاندین و مخالفین اهل بیت عصمت و طهارت است!!

به تعبیر مقام معظم رهبری امروز فضای مجازی قتلگاه جوانان شده است. یکی از علل و انگیزه‌های تکریم عالم و گرامیداشت علم و دانش این است که امروز یکه‌تاز میدان مواجهه با دشمنان و نواصب و در رأس آن وهابیت، همین علما و اندیشمندان هستند.

امام هادی (علیه السلام) روایت زیبایی دارد که «مرحوم طبرسی» در کتاب «احتجاج» جلد اول صفحه ۱۸ آن را نقل می‌کند. حضرت می‌فرماید:

«لَوْ لَا مَنْ يَنْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَ الْمُتَّقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ، وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ»

اگر پس از غیبت قائم (ع) شما از علمائی که دعوت به سوی او کنند و راهنمایی به حضرت نمایند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع کنند و ضعیفان از بندگان خدا را از دام‌های شیطان و پیروان شیطان نجات بخشند باقی نمی‌مانند البته هیچکس از مؤمنین پابرجا نبودند، مگر آنکه از دین خدا برمی‌گشتند.

«وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمْسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يَمْسِكُ صَاحِبُ الشَّفِيئَةِ سَكَانَهَا - أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

ولی این علماء بودند که دل‌های ضعیف شیعه را نگه داشتند همچنانکه کشتیان سکان و فرمان کشتی را نگهداری می‌کند آن فرمانی که کشتی امواج آب را با آن می‌شکافد و پیش می‌رود آن علماء در پیشگاه خدای عزوجل برتر از همه هستند.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۸، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدل

بنابراین اگر ما امروز از جایگاه علم عالم و دانش دانشمند تکریم می‌کنیم به این جهت است که این اندیشمندان هستند که در خط مقدم پاسخگویی به شبهات و پاسخگویی به هجمه‌های معاندین هستند و ایشان هستند که در صف اول و خط مقدم قرار دارند.

روایت دیگری «مرحوم طبرسی» در کتاب «الإحتجاج» جلد اول صفحه ۱۷ و نیز «مرحوم مجلسی» در بحار نقل کرده اند که از علما به عنوان «مُرَابُطٌ» یا مرزبان تعبیر می‌کند.

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا

وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَاصِبُ»

دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که تمام وقت در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند.

عزیزان مستحضرند سربازان و نظامیانی که در مرز هستند، همواره آتش به اختیار هستند و چشمانشان متوجه دشمن و اسلحه هایشان همیشه آماده شلیک است. تنها نظامی که در دنیا برای شلیک نیازی به مافوق ندارد، مرزبان است.

مرزبان به مجرد مشاهده ورود دشمن به سرحدات، موظف به شلیک و بستن به رگبار است. لذا امام جعفر صادق (علیه السلام) علمای شیعه را به مرزبانانی تشبیه می‌کند که از سرحدات مبانی اعتقادی و مبانی فرهنگی شیعه آتش به اختیار هستند و دفاع می‌کنند و به مجرد مشاهده ورود دشمن به حوزه اعتقادی شیعه و ورود نواصب به طرف مبانی اعتقادی شیعه با تمام توان در این جبهه حضور پیدا می‌کنند و با پاسخ‌های کوبنده او را سر جای خود می‌نشانند و از اینکه شبهات آن‌ها اذهان جوانان شیعه را متزلزل کند، جلوگیری می‌کنند.

جمله جالب امام صادق در ذیل این روایت است که ابتدای جمله «ألا» آورده‌اند. «ألا» نشانگر اهمیت جمله است؛ به معنای آگاه بودن و متوجه بودن است. این اعلام جدی است!

**«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ»**

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار بار بالاتر از سپاهیان است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

**«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُجَبِّئِنَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَيْدِيهِمْ»**

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

**الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،**

**ص ۱۷، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدال**

عزیزان و سروران به ویژه فضلا و بزرگواران! امروز قضیه هجمه فرهنگی به مراتب بسیار جدی‌تر از آن است که ما تصور کنیم. امروز دشمنان ما با تمام توان وارد شدند و از تمام ظرفیت‌ها و تمام امکانات علیه شیعه استفاده می‌کنند. آن‌ها سرمایه گذاری کلانی انجام دادند تا بتوانند جوانان ما را به مبانی دینی و مبانی اعتقادی بدبین کنند.

## مطالعه این دو کتاب، فوق العاده ضروری است!

من از عزیزان تقاضا دارم دو کتابی که معرفی می‌کنم را مطالعه کنند. نویسنده این دو کتاب، «کلینی» صاحب «کافی» و «علامه حلی» و «مجلسی» یا «ابن تیمیه حرانی» یا «بخاری» و «مسلم» نیست. نویسنده یکی از این کتب، بزرگ نظریه پرداز کاخ سفید «هانتینگتون» است که بارها اسم او را شنیده‌اید و صدا و سیمای ما بارها میزگردی در نقد مبانی فکری ایشان برگزار کرده است. او کتابی تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» دارد.

کتاب دوم، کتاب آقای «فوکویاما» است که مدتی معاون سازمان سیای آمریکا بود، کتابی به نام «پایان تاریخ». من از عزیزان تقاضا دارم ترجمه فارسی این دو کتاب را که در وبلاگ‌های متعدد و سایت‌های مختلف وجود دارد، مطالعه کنند.

## سه رمز کلیدی موفقیت شیعه و نقشه دشمن برای نابودی آن

مشاهده کنید این افراد پشت درهای بسته چه تصمیمی علیه مذهب و مبانی فکری و اعتقادی ما گرفتند و چه سرمایه‌گذاری‌های کلانی می‌کنند تا بتوانند رمزهای موفقیت و پیروزی ما را با شکست مواجه کنند!

«هانتینگتون» می‌گوید: "بعد از انقلاب اسلامی ایران ما بر این باور بودیم که مثل دیگر کشورها که وقتی حکومت عوض می‌شود، آمریکا مهره‌های خود را در حکومت جدید سر جای خود می‌چیند. ما بعد از پیروزی انقلاب هر طرحی ریختیم و هر برنامه‌ریزی کردیم، با شکست مواجه شدیم.

آمریکا تصمیم گرفت پژوهشگرانی را به خاورمیانه به ویژه ایران گسیل کند تا تحقیق کنند رمز پیروزی انقلاب اسلامی چیست و ما چگونه می‌توانیم این رمز پیروزی را با شکست مواجه کنیم.

آمریکا برای این تحقیق، بودجه کلان ۱۵۰ میلیون دلار در نظر گرفتند و آن را در اختیار هشت نفر کارشناس گذاشتند و آن‌ها را به خاورمیانه فرستادند. آن‌ها بعد از شش ماه برگشتند و گزارش دادند.

آن‌ها گفتند: طبق تحقیقی که ما کردیم رمز پیروزی انقلاب شیعه هم در انقلاب اسلامی ایران و هم در گذشته سه چیز است و لا غیر.

رمز اول نفوذ روحانیت در میان شیعه، نفوذ مرجعیت و نفوذ رهبری در میان مردم است. یک مرجع تقلید با یک سطر فتوا (نظیر فتوای مرحوم شیرازی) تمام مردم را به صحنه می‌ریزد و کمر استعمار بریتانیا را می‌شکند. و یا صدّام که با تمام مخالفین خود مبارزه کرد و آن‌ها را شکست داد، در برابر حوزه علمیه و مرجعیت نجف شکست خورد.

آمریکا اگر بخواهد در ایران و خاورمیانه جایگاهی داشته باشد، باید این رمز موفقیت شیعه و نفوذ روحانیت و مرجعیت به ویژه رهبری را در ایران کمرنگ و به حاشیه براند. لذا اگر شما ملاحظه کنید، از همان زمان لبه تیز شمشیر دشمن متوجه مرجعیت و رهبری بود.

در سال گذشته و اوایل امسال دیوار نویسی‌ها و شعارها در داخل کشور ما، نه متوجه رئیس جمهور و رئیس مجلس بود و نه رئیس قوه قضائیه بود؛ بلکه تمام اهانت‌ها و جسارت‌ها مستقیم متوجه مقام عظمی ولایت و رهبری بود.

این قضایا، قضایای ساده‌ای نیست که چند جوان در کوچه و خیابان شعار "مرگ بر فلانی" سر می‌دهند یا دیوار نویسی می‌کنند. دشمن ساعت‌ها وقت گذاشت، اتاق فکر تشکیل داد و سرمایه گذاری کرد.

حال با چهل، پنجاه واسطه این جوان از خدا بی‌خبر تصور می‌کند که اگر چند شعار "مرگ بر فلانی" سرداد، فردا نانش در روغن است! او بی‌خبر از این هست که این‌ها همان صدای آمریکاست که از حلقوم یک جوان ناآگاه و بی‌خبر خارج می‌شود.

رمز دوم و نکته دوم حرف «هانتینگتون» مربوط به «ایام محرم» است. او می‌گوید: "یکی از رموز موفقیت شیعه در طول تاریخ عزاداری در ایام محرم و صفر برای نوه پیغمبر اکرم است.

مردم در این دو ماه در مجالس عزاداری شرک می‌کنند و خطبا و مداحان از حماسه‌ها و قیام امام حسین سخن می‌گویند و جوانان را برای شهادت آماده می‌کنند. مادامی که این جلسات و روحیه در میان شیعه است، آمریکا باید پیروزی بر خاورمیانه را از سر بیرون کند."

من از عزیزان روحانی عذرخواهی می‌کنم. او می‌گوید: "ما باید از روحانیون بی‌سواد و مداحان دین به دنیا فروخته استفاده کنیم تا مطالب ضعیف و خرافی در ایام محرم و صفر در رابطه با امام حسین بگویند که جوانان به ویژه تحصیل کردگان را به قیام امام حسین بدبین کنند. از طرفی هم ما باید تبلیغ کنیم که این عزاداری‌ها غیر از مزاحمت برای شما چیز دیگری نیست."

مشاهده کنید پشت درهای بسته چه طرحی می‌ریزند! حال بنده روحانی بالای منبر برای اینکه از مردم مقداری اشک بگیرم، شروع به طرح یک سری مباحث نابجا می‌کنم. خدا روح «علامه شهید مطهری» را شاد کند. او در کتاب «حماسه حسینی» نکاتی در این زمینه آورده است که عزیزان بهتر از من اطلاع دارند و مطالعه کرده اند. لذا من تقاضای عاجزانه از همه روحانیون معظم این شهر بزرگ و ولایی قزوین دارم که نسبت به رمز محرم و نقشه دشمن، عنایت بیشتری داشته باشند.

### دو شهر پرافتخار در کشور ایران

در زمان گذشته حتی در دوران بنی امیه دو شهر در ایران افتخار آفریدند. اگر شما کتاب «معجم البلدان» اثر «حموی» و همچنین کتاب «التدوین فی أخبار قزوین» اثر «رافعی» را ببینید به اهمیت این دو شهر پی خواهید برد.

امرا و حاکمان منصوب از قِبل بنی امیه در سیستان و بلوچستان قسمت زاهدان، مردم را وادار می‌کردند به علی بن ابی طالب ناسزا بگویند، اما مردم نگفتند. حاکم اموی گفت: هرکسی به علی بن ابی طالب ناسزا نگوید، باید جریمه سنگینی به حکومت بپردازد.

مردم منطقه زابل گفتند: ما حاضریم جریمه سنگین بپردازیم، اما به علی بن ابی طالب ناسزا نمی‌گوییم. حاکم گفت: هرکسی به علی ناسزا نگوید، زنانشان را در وسط خیابان می‌آوریم و سرشان را می‌تراشیم. مردم گفتند: ما حاضریم زنانمان در ملاء عام سرشان تراشیده شود، اما ننگ اهانت به امیرالمؤمنین را نمی‌پذیریم.

در قزوین در مسجد جامع در زمان حکومت «ولید»، حاکم اموی به مردم گفت: باید به علی بن ابی طالب ناسزا بگویید. مردم قزوین گفتند: ما چنین کاری نمی‌کنیم. حاکم اموی بالای منبر شروع به ناسزا گفتن به علی بن ابی طالب کرد. مردم قزوین ریختند و او را روی منبر تکه تکه کردند و تکه‌های جنازه او را جلوی سگ‌های قزوین انداختند. این برای قزوین افتخار است.

دوستان به تاریخ مراجعه کنید. حتی در قم چنین قضیه‌ای اتفاق نیفتاد که آن زمان بزرگ حوزه علمیه شیعه در قم بود، اما قزوین این افتخار را داشت.

من تقاضا دارم که ان شاءالله عزیزان ما همانند گذشته افتخار بیافرینند و در حوزه دفاع از حریم ولایت و حوزه دفاع از حریم اهل بیت و سیدالشهدا و محافظت از رمز پیروزی که همین عزاداری برای امام حسین است تلاش کنند.

ما باید بتوانیم عزیزی که پای صحبت ما می‌آید را با فرهنگ حسینی آشنا کنیم. یا مداح عزیزی که دو ساعت وقت مردم را می‌گیرد ببیند در لحظه‌ای که مردم می‌خواهند از جلسه بیرون روند چه فرهنگی از عاشورای حسینی در اختیار او قرار داده است!؟

آیا با آمدن به این جلسات توانست نسبت به فرهنگ حسینی در آینده خودش تأثیرپذیری داشته باشد؟ عزیزی که پای صحبت و مداحی شما می‌آید، در این ایام عاشورا ببینیم هدف پیام عاشورا و هدف اصلی امام حسین چه بود.

کسی که در طول سال حتی یک بار پیشانی‌اش با مهر تماس نمی‌گیرد، در این ایام پای صحبت ما می‌آید و ما باید از این فرصت استفاده کنیم. ما باید از این فرصت طلایی بهره ببریم و او را با فرهنگ عاشورای حسینی آشنا و آگاه کنیم.

رمز سوم و نکته سوم که آقای «هانتینگتون» دارد و به عنوان رمز موفقیت شیعه آن را بیان می‌کند، مسئله «انتظار» است.

او می‌گوید: "شیعه در سراسر جهان معتقد است که روزی یکی از نوادگان رسول اکرم خواهد آمد و تمام حکومت‌های باطل را از بین خواهد برد و حکومت نوینی بر پایه عدل الهی در سراسر جهان به پا خواهد کرد. این تفکر، تفکر ضد استکباری آمریکاست و با فرهنگ آمریکا همخوانی ندارد.

ما باید تلاش کنیم این فرهنگ انتظار و فرهنگ مهدویت را در میان مسلمانان به ویژه شیعه کمرنگ کنیم. ما باید مهدی‌های دروغین در میان شیعه تأسیس کنیم و افرادی را تحریک کنیم که مدعی مهدویت یا بابیت و ارتباط با حضرت مهدی باشند. ما باید این افراد را با یک سری از اعمال نادرست و شنیع گرفتار کنیم و از این طریق فرهنگ مهدویت را در میان شیعه کمرنگ کنیم."

**فتنه ای به نام «احمد الحسن»، برای نابودی رمز «انتظار»**

عزیزان الآن که بنده با شما سخن می‌گویم، در عراق بیست و پنج نفر شناخته شده اند که یا مدعی هستند امام زمان هستند یا فرزند امام زمان هستند یا نائب امام زمان هستند!!



متأسفانه در شهر ما هم بعضی از افراد بی‌نصیب نبودند. من در جلساتی که در شهرهای مختلف در ایام غدیر داشتم، این مسئله را گفتم.

قضیه یمانی‌ها و کسانی که معتقد هستند فردی به نام «احمد الحسن» فرزند پنجم امام زمان آمده است و یک سری بحث‌هایی را مطرح می‌کند که جوانان ما را منحرف می‌کند، با این تصور که «احمد بصری» آمده است تا زمینه را برای آمدن امام زمان فراهم کند.

بنده عذرخواهی می‌کنم، زیرا می‌خواهم بی‌پرده سخن بگویم و بلد نیستم مجامله بگویم. متأسفانه کسی که رهبری این فتنه دجالیه و کفر را در این شهر بر عهده دارد، یکی از بازنشستگان عزیز سپاهی ماست.

او به نجف رفته و با اراذل و اوباش عکس انداخته و در پروفایل خود عکس همین اراذل و اوباش را گذاشته است. این افراد به دنبال این هستند که مرجعیت از بین برود.

چند روز قبل یکی از یمانی‌ها به نام «فتحیه» یکی از شاگردان سابق آیت الله جوادی آملی کلیپی منتشر کرده بود. وقتی که خدمت آیت الله جوادی آملی بودم، گفتم: حاج آقا شاگردان شما از یمانی‌ها بی‌بهره نبودند!!

«فتحیه» در کلیپی رسماً اعلام کرده است که ما باید این سه نفر را از صفحه گیتی برداریم؛ مقام معظم رهبری، آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم شیرازی. مادامی که این سه نفر هستند، این فرقه یمانی و «احمد بصری» نمی‌تواند جهان را برای آمدن حضرت مهدی آماده کند!!

من نمی‌دانم این چه مهدی است که بزرگان و مراجع ما نستجیر بالله مانع آمدن او هستند. «احمد بصری» در سال ۱۴۲۴ یعنی شانزده سال قبل نامه‌ای به مراجع و علمای ایران نوشت و درخواست مناظره کرده بود. در این نامه نفر اول نام مقام معظم رهبری و نفر دوم من بودم.

بنده بیش از صد بار در ماهواره‌های جهانی و فضای مجازی و سخنرانی‌ها اعلام کردم که آماده‌ام با این شخص مناظره و مباحثه کنم، اما نه در خصوص اینکه او فرزند حضرت مهدی است. من مناظره می‌کنم تا ثابت کنم این شخص کافر، مرتد، نجس و مهدور الدم است.

چرا این افراد برای مناظره نمی‌آیند و تنها چند نفر افراد بی‌سواد و ناآگاه را فریب می‌دهند؟ بنده گفتم: حاضرم مناظره و مباحثه کنم. مباحثه از معجزات اسلام و تشیع است. اگر حق و باطل با هم مباحثه کنند، خداوند عالم طرف باطل را فی المجلس نابود می‌کند.

چرا این افراد حاضر به مباحثه نیستند؟ این شخص که کتب او سراپا مملو از کفر است، می‌گوید: حضرت ابراهیم بت پرست بود. حضرت یونس در آتش جهنم است.

او همچنین ادعا می‌کند در وجود امیرالمؤمنین ظلمت بود که اگر این ظلمت نبود، به جای پیغمبر اکرم می‌نشست و لازم نبود رسول الله بیاید. در وجود امام حسین شرک بود. او چیزی از مقدسات ما را سالم نگذاشته است!!  
من بارها گفتم والله تالله بالله فرقه یمانی امروز به فتنه‌ای خطرناک‌تر از داعش و منافقین تبدیل شده است.

در نماز جمعه‌ای که در جعفریه قم داشتند، خطیب جمعه به آقایان دستور می‌دهد: بروید کتاب‌ها و فرش‌ها و ماشین خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید. هرگاه امام ما «احمد الحسن» دستور داد ما علما و مراجع و طلاب را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام می‌کنیم. من واقعاً از این تفکرات تأسف می‌خورم.

ما یکی از شاگردان خود را برای مناظره با این شخص طرفدار فرقه احمد بصری به قزوین فرستاده بودیم، اما وقتی چشم او به شاگرد ما افتاده بود رنگش پریده بود و گفته بود که من توانایی مناظره با شما را ندارم.

اطرافیان او که حدوداً چهل نفر بودند، به او گفته بودند شما که این همه ادعا داشتید، چطور حاضر نیستید با یک طلبه که از قم آمده مناظره کنید. همین مناظره نکردن او باعث شد که تعدادی از طرفدارانش از او دست کشیدند.

## مأموریت ویژه حوزه های علمیه، دفاع از حریم ولایت و امامت

عزیزان مقداری هم مشکل متوجه ماست. ما فرهنگ مهدویت را برای مردم خوب تبیین نکردیم و در حوزه پاسخگویی به شبهات حضور فعال نداریم. به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی به قتلگاه جوانان مبدل شده و ما در این قتلگاه جوانان حضور فعال نداریم.

بنده معمولاً هر شب دو ساعت یا سه ساعت کارم در فضای مجازی است و غالب شبکه‌های ماهواره‌ای را رصد می‌کنم. بنده عده‌ای از افراد را گذاشتم این مطالب را پیاده می‌کنند و در اختیار من قرار می‌دهند.

حضور اندیشمندان و علما و طلاب و اساتید دانشگاه‌های ما در فضای مجازی و این جنگ فرهنگی بسیار کم‌رنگ است. من واقعاً تأسف می‌خورم!

بنده خدمت آیت الله عابدینی عرض کردم که آیت الله اعرافی بعد از دیداری که از قزوین داشتند به منزل ما تشریف آوردند و بیش از یک ساعت جلسه و صحبت داشتیم.

ایشان می‌گفتند: ما باید تلاش کنیم تا اساتید حوزه‌های علمیه و طلاب ما همگی به روش پاسخگویی به شبهات مجهز باشند، نه آشنا به پاسخ به شبهات. این افراد باید ملکه پاسخ به شبهات را داشته باشند.

من به عزیزم که به تازگی مسئولیت حوزه علمیه قزوین را به عهده گرفته است، خوش آمد می‌گویم و این مسئولیت را برای ایشان تبریک عرض می‌کنم و از ایشان عاجزانه می‌خواهم در حوزه دفاع از حریم ولایت که امام صادق می‌فرماید:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَثْبُتْ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

کار کنند. ما در میان معارف دینی چیزی هم پایه و هم سطح ولایت نداریم. «مرحوم کلینی» در جلد دوم از کتاب «کافی» هجده روایت از صفحه ۱۸ تا ۲۷ با این مضمون آورده است. او در جلد اول صفحه ۳۷۱ حدود چهارده روایت با مضمون:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵

آورده است. با اینکه این روایت در حوزه امامت و ولایت است، اهل سنت هم به صراحت این روایت را آوردند. «مسلم» در کتاب «صحیح مسلم» که اصح الکتب بعد از قرآن کریم است، جلد ۳ صفحه ۱۴۷۸ می‌نویسد:

«وَمَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيَعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

همچنین «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» خود جلد ۴ صفحه ۹۶ از پیغمبر اکرم نقل می‌کند:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۲

توجه داشته باشید پیغمبر اکرم در این روایت نفرموده است: «من مات بلا صلاة مات میتة جاهلیة» یا «من مات بلا صوم مات میتة جاهلیة» یا «من مات بلا حج مات میتة جاهلیة». بحث انکار ضرورت دین نیست.

بنابراین من از همه عزیزان تقاضا دارم در حوزه دفاع از حریم ولایت و امامت بیش از گذشته وارد شویم. در این ایام عاشورا با سیدالشهدا که خود کشته راه ولایت و امامت بود و برای احیای امر امامت و ولایت حاضر شد از تمام زندگی و خانواده خود بگذرد، عهد و پیمان ببندیم.

حضرت در آخرین لحظات روز عاشورا اولین جمله‌ای که حضرت می‌فرماید، این است که فرمودند:

«ألسنت ابن نبیکم و ابن وصیه»

آیا من فرزند پیغمبر و وصی او نیستم؟

ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، نویسنده: جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ج ۱، ص ۲۲۳، الفصل

الثالث فی مقتله علیه السلام و ما لحقه بعد ذلک

به چه جرمی با من جنگ می‌کنید؟ آیا حلالی را حرام کردم؟ آیا حرامی را حلال کردم؟ آیا بدعتی گذاشتم؟ دشمنان پاسخ دادند:

«بغضا لأبیک»

به خاطر اینکه از پدرت بغض و کینه داریم.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی،

حسن و کمرهای، محمد باقر، ج ۱۸، ص ۱۸۵، باب المعنی

ان شاءالله عزیزان ما در این حوزه قدم بردارند. بنده بازهم در پایان از برادر عزیز و صدیق گرامم جناب «حاج آقا ابراهیمی» عزیز که عمری را در این زمینه گذاشتند تشکر می‌کنم و عمر با عزت و سلامتی برای این عزیزم از خدا می‌خواهم و موفقیت روزافزون برایشان طلب می‌کنم.

همچنین بازهم از همه شما گرامیان و دست اندرکاران که برای تکریم از مقام علم و عالم و تکریم از مقام دانش و دانشمند این جلسه باشکوه را تشکیل دادید، تشکر می‌کنم.

خدایا تو را به آبروی حسین و اهلبیتش سوگند می‌دهیم فرج منتقم خون شهیدان حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت بالأخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار. خدایا به تمام مجاهدین ما در سراسر جهان که در جبهه نفاق علیه ایمان مبارزه می‌کنند بالأخص عزیزان ما در یمن نصرت نهایی عنایت بفرما.

خدایا از همه گرفتاران به ویژه عزیزان ما در کشمیر رفع گرفتاری بنما. خدایا به آبروی امام حسین حوائج این جمع ما را برآورده نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات غرائی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته